

کتاب مقدس برای کودکان نقدیم می کند



روت: داستان عشق



اگر شامی تو استید والدین مادر و پدر بزرگتان و یانیاکان خود را ملاقات کنید، شاید از شخصیت آنها متعجب می شدید و اینکه بدانید آنها چه کسانی بودند. در کتاب مقدس می بینیم که یکی از یانیاکان عیسی مسیح شخصی بنام " روت " بود، زنی از قبیله موآب که، تهارا پرستش می کرد.



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Janie Forest

بازگویی از: Lyn Doerksen

Alastair P.

مترجم: Shahrzad

ناشر: Bible for Children

www.M1914.org

BFC

PO Box 3

Winnipeg, MB R3C 2G1

Canada

©2020 Bible for Children, Inc.

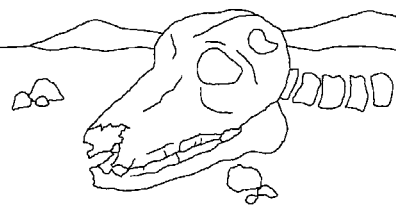
حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان حاراکتی و چاپ نمایی به شرط آن که رایگان توزیع شود.

مردی بنام "الهیملک" در آن زمان بیت اللحم را با همسرش و دو پسرش ترک کرد تا به جایی برود که غذا باشد. انتخابه موآب رفتند، جایی که بتهارامی پرستیدند.



4

داستان "روت" در اسرائیل بعد از زمان سامیون آغاز میشود، وقتی که قوم خداوند از اطاعت و اعتماد به او دست می کشند. فحطی سر زمین را فرامی گیرد. می دانید فحطی چیست؟ درسته! فحطی و خشکسالی زمانی است که هیچ محصولی یا میوه ای عمل نیاید و حیوانات و حتی انسانها از گرسنگی می میرند.



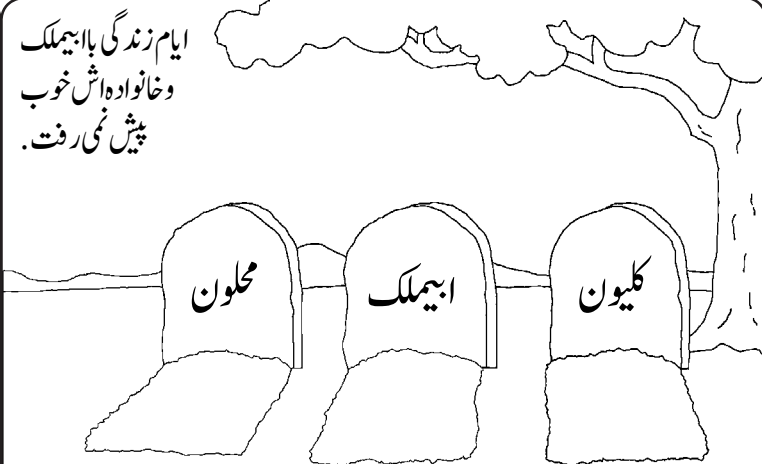
3

نعومی، که یک زن بیوه بود، شنید که خداوند قومش را ملاقات کرده و برای آنها غذا فراهم کرده است. پس تصمیم گرفت که به شهرش و زادگاهش باز گردد. اما دو عروسش چه خواهند کرد؟ نعومی به آنها گفت که آنها در موآب بمانند و دوباره از دواج کنند.



6

ایام زندگی با الهیملک و خانواده اش خوب پیش نمی رفت.



الهیملک همراه با دو پسرش از دنیا رفتند. همسرش، نعومی، با دو عروسش، روت و عرفه، تنها ماندند. روت و عرفه، هر دو از شهر موآب بودند.

5

دوستان قدیمی نعومی از اینکه او به زادگاهش بیت اللحم بازگشته خوشحال شدند. اما نعومی از آنها خواست که او را "ماره" (یعنی تلخ) بجای نعومی (یعنی خوشحال) صدا کنند. برای اینکه خداوند قادر مطلق زندگی مرا تلخ کرده است. نعومی دست خالی بازگشت.

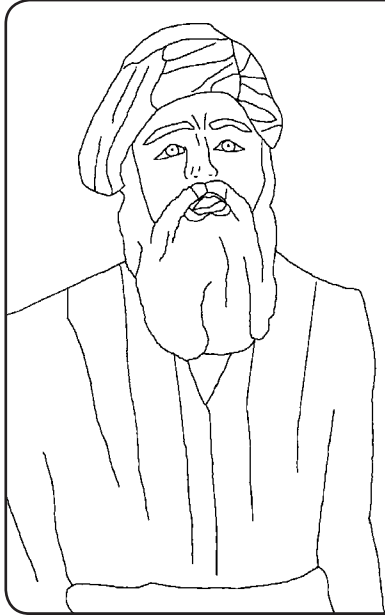


8

عرفه به نزد فامیلش بازگشت. اما روت از بازگشتن به نزد فامیلش امتناع کرد. در عوض، یک شعر زیبایی برای مادر شوهرش گفت که نشان می داد او هرگز نعومی را ترک نخواهد کرد.

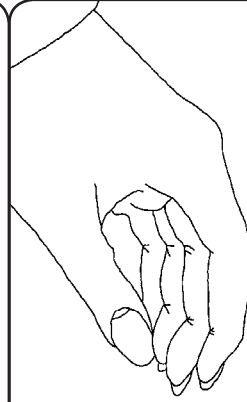


7



بو عز، صاحب مزرعه، شنید که روت
چقدر نسبت به مادر شوهرش مهربان و
خوب بوده است. وقتی بو عز روت را
ملاقات کرد، او را با مقدار زیادی
محصول گندم به خانه بازمی گرداند و
به او کمک می کرد. و کم کم بو عز از
روت خوشش آمد.

10



اگرچه که روت مانند مردم دیگر در شهر
مو آب، بتها پرستش می کرد، اما او تصمیم
گرفت که مانند مردم اسرائیل خداوند
زنده را پرستش کند. او سخت کار میکرد تا
برای نعومی غذای کافی فراهم کند. هر
روز در مزرعه کار میکرد تا بتواند از پس مانده
های گندم برای نعومی ببرد.

9



هما نطور که زمان می گذشت، بو عز می خواست باروت
از دواج کند، و از نعومی و زمین خانوادگی او مراقبت کند. ولی یکی
دیگر از خویشاوندان نعومی که به آنها نزدیکتر بود در اولویت
بود. این مرد، زمینی که متعلق به نعومی بود می خواست ولی نمی
خواست که باروت از دواج کند. قانون بر این بنا بود که او
نمی توانست زمین را قبول کند اگر باروت از دواج نکند.

12



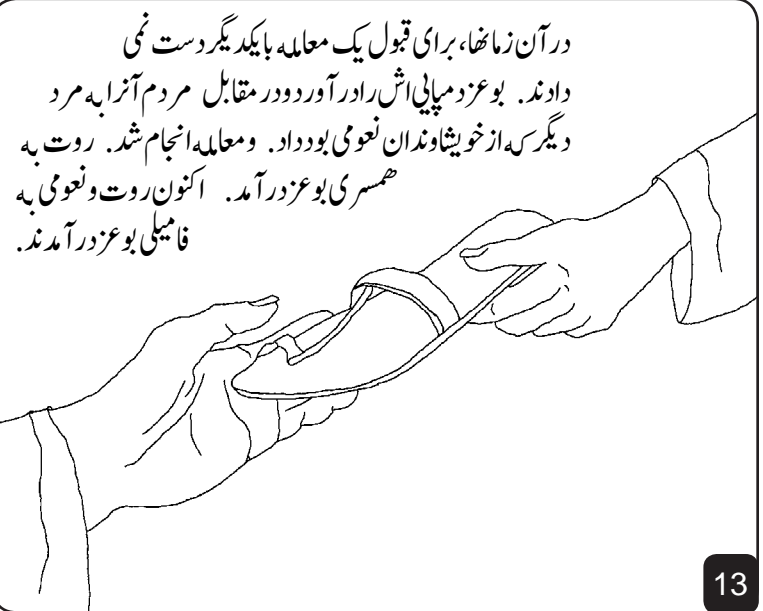
وقتی روت به نعومی در مورد بو عز
و مهربانی او گفت، نعومی خداوند را
ستایش کرد و گفت: این مرد از
فامیل ماست، او یکی از
خویشاوندان نزدیک ماست.

11



روت و بو عز صاحب پسری شدند و
نام او را عیوب گذاشتند. او پدر بزرگ
داود بود، پادشاه کبیر اسرائیل.

14



در آن زمانها، برای قبول یک معامله باید یک دست نمی
دادند. بو عز دمیپانی اش را در آورده در مقابل مردم آنرا به مرد
دیگر که از خویشاوندان نعومی بود داد. و معامله انجام شد. روت به
همسری بو عز درآمد. اکنون روت و نعومی به
فامیلی بو عز درآمدند.

13

ولی عجیب تر از همه، عوبدو کو چک از نیاکان عیسی مسیح پادشاه بود.



15

روت: داستان عشق

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

روت

"کشف کلام تو نور می بخشد."

مز مور ۱۱۹: ۱۳۰

16

داستانهای کتاب مقدس با مادر باره خدا بی صحبت می کنند که ما را
آفرید و اراده او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدای داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم کارهایی که او آنها را گناه می خواند. م
جازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر رحمت نمود که پسریگان خود را فرستاد تا بر
روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به
آسمان بالا رفت. اگر تو به عیسی ایمان بیاوری و از او بخوای که گناهان تو را ببامرزد،
او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسی عزیز من ایمان دارم
که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و اکنون زنده هستی.
خواهش می کنم که وارد زندگی من بشوی و گناهان مرا بخشیش تا بتوانم زندگی تازه ای داشته باشم و برای
همیشه با تو زندگی کنم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس راه روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۳: ۱۶

18

پایان

16



60

17